

ستراد و نیام جمع نیست موی بر کندن **غنتو** بالفتح و الپس مجید و قرار نمیکرد **بجوب** بالفتح بطل
 بالکسر و یا پارسی و سکون نون و کسر جیم نوعی که پیک پشه بی استین **بجشت** فعل مستقبل فرو شود
 پیشدم فعل مستقبل بر وزن فعل معنی اندوه میکند **بشد** و بالفتح یا انجمن و محفل میروود و جمع میکند **عشش**
 یعنی همراه این احوال است **بفتح** یعنی میخیزاند و بعضی این لغت را بزعم سجای نون رای مجید استعمال کنند **بفتح**
 فعل مستقبل یعنی میدد صور **بفتشش** یعنی راهبر این لغت ترکی است **بفتشکم** باز می آید **بیکس**
 رسم و آیین و روش **بکوسب** بالفتح راه راست باشد **بشمیه** بالفتح نوعی از درختان یو بود
 یک عدد یو برسی ازین سوا این لغت ترکی است **یوبه** بالضم آرزو و امید **یوست** بو افکاری
 عام ستوران چنانکه و با مرکب عام انسان **یوج** بود و مجهول جانور است از چرندگان **یوح** بالضم آفتاب
 باول مضموم و او مجهول و غایب مقح و احتیاج دارد رسیدن بود به بنایت لذت جلع **یورسش** بالضم راه
 سب سوری بر موی و کوچ کردن سجائی **یوز** باول مضموم و او معروف جستن و تقصص کردن و نام جانور است شکاری
 معروف و مشهور و یک قسم سگ که حیووی جانوران نود و از زیر بو ته سید و ن آرد و جستن و در ترکی بعضی بدتر آرد
 خیل مد چنانکه در قافز اگر شاه صد برانوز باشی میگفتند که صاحب صد سوار باشد فرده سی گوید **زهر طلا**
 یکی کینه نوز فرستاد با لشکر و م یوز **یوز** غنم و فتح غنم معجز است بزور و راهوار **یوزک** بو افکاری
 نهنر یوزند کور و یک بچه برابر یک در سوراخ در رود و غلطیدن جانوران در خاک و دانه مرغان در میان خاک
 و ساق درخت **یوزه** مثل **یوس** بالفتح نامید **یوسف** بضم یای دین جمله نام پیمبر است
 معروف و نام سوره قرآن و نام مردی در و در که بعضی شیخی حضرت مرم رضی الله عنهما را با و ممتهم گردانند و نیز کنایت
 از آفتاب در برج ولو **یوسف** در روش یعنی آفتاب **یوسف** زرین مثل **یوسف** زرین
نقاب مثل **یوسف** گرد و **یوشین** مثل **یوسف** کرک است کرکی **یوسمه** بو افکاری
 مجهول آره را گویند **یوسیدن** لغتی است در یوز دین یعنی جستن و در تنیاست **یوس** یعنی یکی جوی
یوسش باول مضموم و او مجهول یعنی جستن و تقصص نمودن است **یوسح** بالضم و او مجهول چوبی باشد که
 بر کردن کا و قلبه و کا و کرون نهند سنائی فرماید ای همه قول تو نفاق و دروغ **یوسح** دینا نکر و ناندروغ
یوخان بالفتح و با غنم معجز آتش خشک که ابی و نمکی داشته باشد **یوق** نزدیک **یوک** باول
 مضموم و او معروف آهنی باشد که بر زرتور نهند و بریان را از آن بپا و پزند و آن را بسک نیز گویند **یوکان**
 بدان که عرب آن را رجم خوانند و در ده گویند که برسد کین باشد و یعنی اول در یای سجد نیز گویند **یوسح**
 یعنی دارد **یولیس** بالضم آرزو مند **یوم** بالفتح روز **یوم** الازهر روز آدین **یوم** شمائی
 غنم و در کوه گویند **یوم** بالفتح روز **یوش** بالضم مند و نون نیز گویندش و گاهی معنی مطلق **یوشم** نیز گویند
یوتان بالضم نام ولایتی است که مقام اکثر حکما آنجا است سکندران ولایت را بدیه با غرق کرده بود **یوشس**
 بالضم نام پیغمبر است معروف **یوش اندر** و **یوش** مایه شد عبارت در رفتن روز و در آمدن شب است
 کستان قرص خورشید در سایه شد **یوش اندر** و **یوش** مایه شد **یوسب** بفتح یا و بار موحده نام پدر
 حضرت شعیب علیه السلام **یوسبو** بالفتح که در جزیری و الپس فرود میروود **یوسبو** بالفتح همچو میکند **یوسدی**
 بالفتح و کسر لای یوز و مقبده بدل جمله و بالف معصومه راه راست میگرد و **یوش** یکم و سکون دوم کسی را میخوانند **یوسو** و معنی

بود و جمیع یهودی است **یهودا** نام برادر حضرت یوسف علیهما السلام که از نادر و بیکر بود **یهودا** و **اشد** پارسی
 گویند که یهودان بر جای خود و در نزد تاز مسلمانان متمیز گردند و آن را بتاز می بخار خوانند **یهود** نامی است که
 بعضی **بار نیلیاق** جامی سید به سیر که آنجا بتان گفته اند
 و خلاف تملاق این ترکی هر دو است

الحمد لله المنة

کتاب مستطاب شمس اللغات که در اکب الفاعل عربیه اشش قاموسی است جامع و صحیحی است لامع و پرتو لغات
 مساحیان بوش و فرونگ را برانی است قاطع و لغات ضروریه ترکیه را نیز شامل است در شش مجلد عیب و خطا
 هر چه در دارالسلطنه کلکته بچاپ پیسری مطبوع و ترسیم یافته از آنجا که کتاب مذکور سراجی است و جامع و طالبان
 و کمال را بآن غایت احتیاج بود و درین اوقات فرخنده آفات نسخه مذکور حکایات و آریاب تحفیل علم درین
 پرده یاب نمودند بنا علی نوادین او ان سعادت بنیان و در دار الحکومه بمبئی اجتر عیاد و بارگاه ربیب الکریم قاضی
 بن قاضی نور محمد ساکن بل بلندی بشرکت نورالدین بن حیواخان نسخه مزبور را بدست آورده و در تصحیح و مقابله
 بولوی نورالدین طالب علی صاحب بقده و مسیح و طاقت است تمام وجد و جهد نموده نظر باسینیک نسخه چاپ کلکته
 است تمامی تصحیح آن نگردیده بودند و نسخه دیگر نیز در دست نبود لهذا از لغات معتبره و صحیحه مستفاده عربیه و فارسیه
 نام و اتمام مالاکلامه تصحیح آن پرداخته بنحطامیرزا محمد شیرازی و میرزا محمد علی شیرازی اشکتاب و در مطبع حیدری
 بچاپشکی چاپ و جلبدیه طبع آراستد کردید تا طالبان ازان
 مستفزه محسره یاب گردند و اتمام پذیرفت یروزه و شنبه

سیر و هم شرف شهبان المعظم من شهور
 مستطاب بچاپ مقدره اللهم
 انفق من تقادیر و استغفر
 لصحة و کاتبه
 امین ارب
 العین
 تم